

مگه تو مملکت شما خر نیس؟



عزیز نسین

ترجمه ارسلان فصیحی

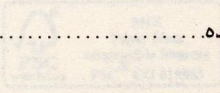
انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۸

فهرست

-
- ۷ هی کم تر شدیم
- ۲۵ آفرین
- ۴۳ اسم شب
- ۶۱ کلاه دامادی
- ۷۵ مستر فیشر می آید
- ۸۳ «کسی معمر کله کدو رو می شناسه؟»
- ۹۳ «اون طورها هم نیست»
- ۱۰۷ فرستاده امضاء
- ۱۱۳ دمش گرم
- ۱۲۳ مگه تو مملکت شما خر نیس؟
- ۱۴۳ اعتراف
- ۱۵۳ مأموریم و معذور

- ۱۶۷ «آسمون به ریسمون باف»
- ۱۷۵ نسرين خانم و سواسی
- ۱۹۳ چپی ای یا راستی؟
- ۲۰۳ مانیل، میلان
- ۲۱۵ هیچ چی نمونده



.....	۷
.....	۵۶
.....	۶۲
.....	۶۹
.....	۵۷
.....	۶۸
.....	۶۶
.....	۷۰/۱
.....	۶۱/۱
.....	۶۲/۱
.....	۶۲/۱
.....	۶۵/۱

هی کم‌تر شدیم

خیلی بی‌کار مانده‌ام سلیم افندی. به هر جا برای کار می‌روم دست خالی برمی‌گردم. راضی‌ام جایی دربانی، آبدارچی‌ای، چیزی بشوم. آن هم گیر نمی‌آید... پنج سر عائله دارم. توی این دوره و زمانه سیر کردن این همه شکم مگر شوخی است؟ اجاره‌خانه از یک طرف، خورد و خوراک از طرف دیگر، طلبکارها از آن یکی طرف؛ دیگر دارم دیوانه می‌شوم. پس انداز هم که ندارم. تازه، اگر هم داشته باشم به چه دردی می‌خورد سلیم افندی؟ قدِّ کوه هم اگر باشد تمام می‌شود. هر چه داشتیم فروختیم و خوردیم. مدام با خودم می‌گویم خدایا، چه کار باید بکنم. دیگر از دوست و آشنا کسی نمانده که ازش قرض نگرفته باشم. دری نمانده که نزده باشم. دیگر از خودم هم خجالت می‌کشم. راستش از بی‌عرضگی خودم هم حرص می‌خورم. هر کسی را نگاه می‌کنی، راه پول درآوردن را پیدا کرده دارد زندگی‌اش را می‌کند. من چه آدم بی‌عرضه و دست و پا چلفتی‌ای بوده‌ام. مثل سگ پشیمانم از این‌که از کار قبلی‌ام بیرون آمدم. حالا خوب است که خودم بیرون نیامدم، بیرونم کردند... می‌دانی، نه